

دیوید گمل

سیدسجاد حامد حیری

جان شانو
(کتاب اول)

گرگ در ساره



کتابسرای نندیس



فوط است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد

مقدمه

راهب اعظم دستان خون‌آلودش را از جسد برداشت و آن‌ها را در کاسه‌ی نقره‌ای که از آب مقدس پر شده بود فرو برد. خون در بین گلبرگ‌های رز داخل کاسه پخش شد و آن‌ها را تیره و درخشان کرد. دستیار جوانی جلو رفت، روبروی پادشاه زانو زد و دستانش را دراز کرد. پادشاه به جلو خم شد و سنگ بیضی‌شکل بزرگی را در دستان وی قرارداد. سنگ قرمز و طلایی بود و رگه‌های تیره‌ی ضخیمی در آن دیده می‌شد. دستیار سنگ را به سمت جسد برد و آن را درون زخمی گذاشت که قبلاً قلب دخترک در آن قرار داشت. سنگ شروع به درخشش کرد، قسمت قرمز طلایی آن مانند فانوسی کم‌رمق می‌درخشید و رگه‌های تیره‌ی آن به خطوط باریکی تقلیل پیدا می‌کردند. دستیار باری دیگر سنگ را بلند کرد، آن را با پارچه‌ای تمیز کرد و به پادشاه برگرداند، سپس در سایه‌ها محو شد.

دستیار دیگری به راهب اعظم نزدیک شد و تعظیم کرد. او شنل تشریفاتی که حمل می‌کرد را بر شانه‌ی راهب اعظم انداخت. پادشاه دستانش را دو بار بر هم زد، جنازه‌ی دختر را از روی سکو برداشتند، آن را از تالار بزرگ بیرون و به اتاق فراموشی بردند.

فصل اول

سوار بر نوک تپه‌ای جنگلی توقف کرد و به زمین‌های خالی پایین دست خیره شد.

هیچ نشانی از اورشلیم یا میسر تاریک الماس‌نشان دیده نمی‌شد. اما اورشلیم همیشه در پیش روی او بود، در رؤیاهای شب او را فرا می‌خواند و او را ترغیب می‌کرد تا در انتهای جاده‌ی سیاه‌رنگ پیدایش کند. ناراحتیش گذرا بود، نگاهش را به سمت کوهستان‌های دوردست دوخت، خاکستری و روح‌مانند. شاید بتواند در آنجا نشانه‌ای پیدا کند؟ یا اینکه جاده توسط ماسه‌هایی که طی قرن‌ها روی هم تلمبار شده یا توسط علف‌های هرز تاریخ مخفی شده بود؟

او این تردید را از خود دور کرد؛ اگر شهر وجود داشت، جان شانو آن را پیدا می‌کرد. کلاه لبه‌دار چرمی خود را از سر برداشت و عرق را از صورتش پاک کرد. نزدیک ظهر شده بود. اسب اخته بی‌حرکت ایستاد تا اینکه جان افسارش را برداشت، سپس سرش را پایین آورد و مشغول خوردن از علف‌های بلند شد. مرد دستش را درون خورجین اسب کرد و یک کتاب مقدس قدیمی را بیرون